

نظام بانکی در معرض چالش‌های درونی و بیرونی

نگاهی کوتاه به تاریخچه، عملکرد و تهدیدهای طرح تحول نظام بانکی

محمد وطن‌پور - کارشناس ارشد و تحلیلگر اقتصادی

ایران از سال ۱۳۵۸ به بعد، به دلیل ملاحظات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای، مورد تهدید سازمان ملل متحد و شورای امنیت بوده است.



مدیره‌ها و مجمع (وزارتخانه تخصصی یا وزارت امور اقتصادی و دارایی) به نهاد ریاست جمهوری منتقل شد و همزمان سیاست‌های "شوک درمانی" مورد نظر مجلس هفتم و دولت نهم با هجمه بیشتری پیگیری می‌شد.

محورهای طرح تحول نظام بانکی

دغدغه‌های مدیران اجرایی بخش پولی کشور برای اعمال دو نگرش اسلامی و مدرن (عقلایی) در نظام پولی کشور، از زمان تصویب "قانون عملیات بانکداری بدون ربا" در سال ۱۳۶۲ همواره بخش عظیمی از ذهن آنها را به خودمشغول داشته است. این تحولات را نیز می‌توان در دو محور اعمال قواعد اسلامی و بهبود و ساماندهی تخصصی در نظام بانکی کشور طبقه‌بندی کرد، به گونه‌ای که در روکش "طرحی موسوم به تحول نظام بانکی" این محورها آمده است: "در راستای اهداف عالی کشور و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و طرح تحول اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران، نظام بانکداری کشور پس از اجرای این طرح، نظامی منطبق با اصول و ارزش‌های اسلامی، برخوردار از ثبات و سلامت مالی، با زیرساخت‌های مستحکم و رقابت‌پذیری و شفافیت بالا در عملیات بانکی، از تنوع نهادها و ابزارها و همچنین کارآمدی و سهولت در رفع نیازهای مالی بهره‌مند می‌باشد و به توسعه مبتنی بر عدالت و اعتدالی هر چه بیشتر تولید و

مقدمه

در یک نگاه ساده به تاریخ تصمیمات اقتصادی کشور طی چند دهه گذشته، به وضوح می‌توان مشاهده کرد که بعد از گذشت سال‌های پایانی برنامه دوم توسعه اقتصادی، شرایط عقلایی‌تری بر فضای اقتصادی کشور حاکم گردید و در پی آن، سیاست‌های اقتصادی در محیطی با ثبات‌تر اتخاذ می‌شدند.

اوج این عقلانیت در نظام پولی، بازبینی نرخ‌های سود تسهیلات و ورود بانک‌های خصوصی به نظام پولی کشور بود که به نظر می‌رسد سهم ریبیس کل فقید بانک مرکزی، زنده یاد دکتر محسن نوربخش، در این دو سیاست غیرقابل چشم‌پوشی است. اما فارغ از محتوای سیاست‌های اتخاذ شده، در همین اقدامات نیز حداقل دو نظر وجود داشت: گروهی به عنوان اقتصاددان حاکم در دولت اصلاحات، اعتقاد به "تدریجی" بودن سیاست‌ها داشتند و به دلیل حضور در مراکز قدرت، این اعتقاد را عملیاتی هم می‌کردند، اما در مقابل آنان گروهی از صاحب‌نظران خارج از قوه مجریه و مقننه بودند که سیاست‌های "شوک درمانی" را مؤثرتر از سیاست‌های زمانبر رقیب می‌دانستند.

این کشمکش تا زمستان ۱۳۸۲ و زمان انتخابات مجلس هفتم ادامه داشت تا گروه سیاسی رقیب دولت اصلاحات، اکثریت مجلس را به دست آورد و در همان شش ماه اول و در یک اقدام ضربتی، طرحی با عنوان "منطقی کردن نرخ سود تسهیلات متناسب با بازدهی هریک از بخش‌های اقتصادی" را ارایه داد و دولت را موظف نمود که در یک اقدام سریع، نسبت به کاهش نرخ مذکور اقدام نماید این اولین اقدام برای زمینه‌سازی تحول مورد نظر در نظام بانکی تلقی می‌شد.

در آن زمان نیز گروهی از کارشناسان نسبت به عواقب این اقدام هشدارهایی می‌دادند و یکی از این هشدارها یادآوری این مهم بود که از منطقی کردن نرخ سود نمی‌توان صرفاً کاهش آنرا انتظار داشت! لذا اگر منظور قانونگذار منطقی کردن است، باید به قواعد این نگرش مبنی بر افزایش سهم عقود مشارکتی در مقایسه با عقود مبادله‌ای نیز توجه ویژه شود.

در سال ۱۳۸۴ که دولت نهم زمام امور را به دست گرفت، در فاصله شش ماه، تقریباً تمامی مدیران عامل بانک‌های دولتی برکنار شدند و اداره امور این بانک‌ها در حقیقت از هیأت

اشتغال بخش‌های اقتصادی یاری رساننده و ضمن پویایی و همگام بودن با فناوری‌های جدید، با نظام‌های پولی و بانکی سایر کشورها تعاملی سازنده و رو به رشد برقرار می‌سازد.

البته این متون بعد از چند اقدام انتحاری همچون تخصیص وجوه تقسیم شده در قالب "اعتبارات بنگاه‌های زودبازده" در نظام بانکی، مکتوب شد و با تأیید کارگروهی مستقر در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار گرفت. البته سهم شخص معاون امور بانکی و بیمه وقت وزارت امور اقتصادی و دارایی و قائم مقام بانک مرکزی و مدیران بانک‌های عامل را نمی‌توان در این امر نادیده گرفت. این کارگروه با استفاده از توان کارشناسی نظام بانکی و پژوهشکده پولی و بانکی، توانسته است اهم اهداف و رسالت‌های پیش روی هیجانات قبلی - سرایت کرده و تشدید شده از مجلس هفتم و دولت نهم - را به شرح زیر سازماندهی نماید:

۱. انطباق بیشتر با شریعت و ارزش‌های اسلامی و کسب جایگاه مناسب در بانکداری اسلامی در سطح بین‌الملل.
۲. پشتیبانی از فرآیند رشد و توسعه.
۳. افزایش دسترسی همه اقشار جامعه به خدمات مالی.
۴. افزایش رقابت و کارآمدی.
۵. تأمین سلامت و ثبات مالی.
۶. تأمین سودآوری و بهبود مستمر فضای کسب و کار.
۷. تنوع بخشی به نهادها و ابزارهای مالی.
۸. پیشرو بودن در بهره‌گیری از دانش بانکی، فناوری‌های روز و روندهای بین‌المللی.
۹. برخورداری از استحکام لازم در رویارویی با چالش‌ها و مواجهه شدن با آزادسازی مالی و جهانی شدن.
۱۰. زمینه‌سازی جهت افزایش نقش بازار سرمایه در تخصیص منابع.

در همین راستا در زمستان ۱۳۸۵ با تشکیل هفت مؤسسه جدید، عملیاتی کردن اهداف یاد شده وارد فاز جدیدی شد که از آن دسته می‌توان به تأسیس بانک قرض‌الحسنه مهر ایرانیان برای تخصیص وجوه قرض‌الحسنه نظام بانکی کشور اشاره نمود. این مؤسسات، حاصل تعامل نظام بانکی با بانک توسعه اسلامی در همایشی با همت مسوولان پولی و مالی کشور توصیه شدند و به عنوان شاخص‌هایی برای تحقق اهداف یاد شده فعالیت خود را آغاز کردند. از این مؤسسات می‌توان به مؤسسه رتبه‌بندی اعتباری به عنوان یکی از حلقه‌های مفقوده بخش اعتباری کشور اشاره‌ای مسوولانه داشت، چرا که این مؤسسه و کارکرد آن در بخش پولی کشور، می‌تواند بسیاری از ریسک‌های بانک‌های کشور را کاهش دهد و ضمن رتبه‌بندی مشتریان در سطوح مختلف، شفافیت قابل توجهی را برای برخورداری آنها از اعتبارات اعطایی به ارمغان آورد.

تأسیس بانک‌های سرمایه‌ای ایده دیگری بود که اگر چه با توجه به قانون ملی کردن بانک‌ها مصوب شورای انقلاب در سال ۵۸ تا به امروز به عنوان بانک‌های تخصصی شناخته شده، ولی از بانک‌های تجاری تفکیک شده و هدایت سرمایه‌گذاری‌های عمرانی، زیرساختی و حمایتی دولت را پیگیری می‌کند.



عامل اصلی تهدید سیاست بازارهای پول و سرمایه، همانا عادت کارگزاران اقتصادی به استفاده از رانتهای سنتی است.

خلاصه امر اینکه، در این تحولات آنچه می‌توانست بیش از پیش مورد توجه سیاستگذاران پولی کشور قرار گیرد و مغفول مانده بود، همانا اجرای "تدریجی" سیاست‌های پولی در مقایسه با دیگر سیاست‌های اقتصادی است. تئوری‌های پولی نظریه‌های مختلف مکاتب اقتصادی همگی با یک اجماع نسبی معتقدند که وجه تمایز این بخش از اقتصاد بادیگر بخش‌ها، به ویژه با بخش مالی، ضرورت تدریجی بودن این سیاست در تشکیل نهادها، تغییر شاخص‌ها و اعمال نگرش‌های مختلف در تخصیص یا اعمال نرخ‌هاست. اهمیت بخش پولی به عنوان ضرورت وجود یک مدیریت تکنوکرات برای تحقق اهداف پیش‌بینی شده، بزرگ‌ترین تهدیدی بوده است که تا به امروز موجب شده رؤسای کل بانک مرکزی از دولت نهم به بعد (سال ۱۳۸۴) مرتباً تغییر کنند و در این سال‌ها بانک مرکزی ایران متأسفانه یکی از بی‌ثبات‌ترین بانک‌های مرکزی غیرمستقل جهان بوده است.

انسجام، همسویی، با ثباتی و بی‌طرفی سیاسی از ضرورت‌های تصمیمات اقتصادی بانک مرکزی است و در سایه توجه به این مهم است که استقلال این بانک برای حفظ ارزش پول ملی و ثبات قیمت‌ها می‌تواند محقق شود، اما متأسفانه در سال‌های اجرای طرح تحول اقتصادی این سکان مهم همواره آماج تغییرات مدیریتی بوده است. لذا ارزیابی عملکرد طرح تحول نظام بانکی به عنوان یکی از محورهای

طرح تحول اقتصادی، کاری سخت و غیرممکن می‌نماید.

ارزیابی نقش عوامل برون‌زا در تحقق اهداف طرح تحول نظام بانکی

در شرایطی که از سال‌های ۱۳۸۵ به بعد ایران به دلیل ملاحظات بین‌المللی ناشی از فعالیت‌های آژانس انرژی اتمی همواره مورد تهدید سازمان ملل متحد و شورای امنیت بوده است، تحقق اهداف ده‌گانه طرح تحول نظام بانکی را می‌توان به شرح زیر مورد ارزیابی قرار داد:

در تفکیک عقود مشارکتی و حمایت از اعطای سهم بیشتری از تسهیلات به عقود مشارکتی در مقایسه با عقود مبادله‌ای به دلیل فقدان توان کارشناسی و زمان‌بر بودن تولید و جذب این کارشناسان، عملکرد نظام بانکی قابل توجه و موفقیت‌آمیز نبوده و براساس آمار منتشر شده، سهم تسهیلات مشارکتی از ۱۵ درصد به ۱۷ درصد افزایش یافته و سهم تسهیلات مبادله‌ای روند رو به کاهش خفیفی را تجربه کرده است که امید می‌رود با جذب نیروی کارشناسی برای ارزیابی دقیق پروژه‌های بخش خصوصی، سهم این عقود به اهداف مطروحه نزدیک‌تر شود. اما در همین راستا برای تخصیص بهینه و در راستای اجرای سنت خوب قرض الحسنه با تأسیس بانک قرض الحسنه از محل منابع موجود در نظام بانکی کشور و تفکیک وجوه سپرده‌گذاری شده به علاوه نذورات، وقف‌ها و ... دیگر منابع بانک قرض الحسنه، این بخش از رشد مناسبی برخوردار بوده است. از جمله اهدافی که این بانک دنبال کرده و تا حدود زیادی موفق هم بوده است، کاهش تشریفات اداری برای دریافت تسهیلات مشتریان کوچک است که هدف "اعطای تسهیلات یک شبه" را عملی می‌کند.

وجود نهادهایی همچون رتبه بندی، وصول مطالبات، شرکت‌های مشاور، بانک‌های سرمایه‌ای و ... دلیلی بر تنوع و تأمین سلامت در بازار پولی کشور تلقی می‌شود و اقدامات صورت گرفته در این مسیر اگرچه کافی نیستند، ولی نشان‌دهنده انتخاب مسیر درستی هستند که به اضطرار باید پیموده شود. آنچه تا به امروز و در آینده عامل تهدید سلامت بازارهای پول و سرمایه بوده و خواهد بود، عادت کارگزاران اقتصادی به استفاده از رانت‌های سنتی است که طی چند دهه در اقتصاد

کشور به دلیل تمرکز مدیران بخش دولتی و حکومتی بر اقتصاد کشور رخ داده است و همگان اذعان دارند که این مؤسسات برای جلوگیری از "رانت و سوء استفاده کارگزاران" حکایت سم مهلکی را دارند و لذا کارآمدی آنها موجب توقف فعالیت‌های این بخش از اقتصاد کشور شده و خواهد شد.

همان‌گونه که آورده شد، در مسیر تحولات سیاسی در عرصه بین‌المللی، بانک‌های کشور نیز از گزند نهادهای امنیتی و بین‌المللی در امان نبوده‌اند و نام برخی از مدیران ارشد نظام بانکی نیز به دلیل آنچه فعالیت‌های مالی در راستای تأمین مالی ممنوعه خوانده می‌شود، در فهرست سیاه جهانی قرار گرفته است. این اقدامات اگرچه می‌تواند اثرات کلان اقتصادی نداشته باشند، ولی به طور قطع فضای فعالیت مناسب و رو به رشد را از بخش پولی کشور سلب می‌کند و موجب افزایش هزینه‌های مبادله در سطح بین‌المللی می‌شوند و در این مسیر اهداف استحکام بخش پولی، تعامل پایدار با بانک‌های بین‌المللی و ... به عنوان اهداف و رسالت‌های طرح تحول نظام بانکی با تهدید مواجه می‌شود که به زعم بسیاری از کارشناسان، چنین تهدیدی قریب‌الوقوع‌تر از گذشته هم شده است.

لذا در پایان این بخش توصیه می‌شود که ضمن فراهم آوردن شرایط مناسب توسط مسوولان سیاسی، شرایط برای افزایش عقلانیت اقتصادی در عادی‌سازی بستر فعالیت مؤسسات پولی مورد توجه قرار گیرد.

طرح تحول نظام بانکی در سایه تفکیک مدیریت و مالکیت

تقریباً تمامی صاحب‌نظران عرصه اقتصادی اذعان دارند که بخش پولی در کشورهای کمتر توسعه یافته، سهمی بسیار مهم‌تر از این بخش در کشورهای توسعه یافته دارد، چون کشورهای توسعه یافته دارای بازارهای سرمایه تکامل یافته‌تری هستند. اهمیت این بخش در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در مقایسه با ارگانیکسم یک موجود زنده به گردش خون تشبیه شده است، گردش خونی که اگر چه به همه اندام‌ها (فعالان اقتصادی) سر می‌زند و به آنها سرویس می‌دهد، ولی هیچ‌گاه در تخصیص منابع و امکانات به آنها، اولویت‌های بیرونی و غیر کارشناسی را در مدنظر قرار نمی‌دهد،

با توجه به فشارهای بین‌المللی بر مؤسسات مالی و پولی کشور، در شرایط فعلی این بخش به گونه‌ای خط مقدم منازعات سیاسی نیز شده است.





انسجام، همسویی، باینایی و بی طرفی سیاسی، از ضرورت‌های تصمیمات بانک مرکزی است.

نظام بانکی، ایجاد تنوع و کثرت در ارائه خدمات و مؤسسات پولی و بانکی کشور است، این امر می‌تواند مانند شمشیر دولبه هم مفید باشد و هم تهدیدی برای کل طرح تلقی شود. برای تبیین مسأله، از همان تشبیه گردش خون کمک می‌گیریم؛ فکر کنید که مهم‌ترین عضو بدن، یعنی مغز درخواست کند که قلب سه چهارم خون بدن را به او اختصاص دهد؛ فکر می‌کنید در این صورت، چه فاجعه‌ای حیات موجود زنده را تهدید خواهد کرد؟ شاید باور این مهم سخت باشد که اهمیت داشتن و منحصر به فرد بودن، قدرت و رانت، باید کمترین نقش را در تخصیص منابع از قلب داشته باشند و این مهم عیناً در مورد بخش پولی نظام اقتصادی هم صادق است.

اینکه یک نهاد امنیتی، اقتصادی یا مذهبی بتواند با استفاده از قدرت، رانت یا به اعتبار منحصر به فرد بودنش، بخشی از منابع پولی کشور را در اختیار بگیرد و اعمال نفوذش موجب شود که منابع به صورت غیر بهینه تخصیص یابند، دو تالی فاسد دارد: اولاً، آن نهاد از اهداف تأسیسی خود فاصله می‌گیرد و دچار انحراف در اهداف خود- که قطعاً غیراقتصادی هستند- می‌شود و ثانیاً، دیگر بخش‌های تخصصی و کارآمد اقتصادی را از دسترسی به منابعی که استحقاق استفاده از آنها را داشتند، محروم می‌کند. لذا یکی از تهدیدهای طرح تحول اقتصادی در سطح کلان و در راستای آن طرح تحول نظام بانکی در بخش پولی، آن است که مسوولان امر نتوانند بین حوزه‌های تخصصی فعالیت، فعالان اقتصادی و مراکز قدرت (امنیتی، نظامی و مذهبی) تفکیک قایل شوند و سرنوشت این طرح را که موجب خیزش و تغییر در

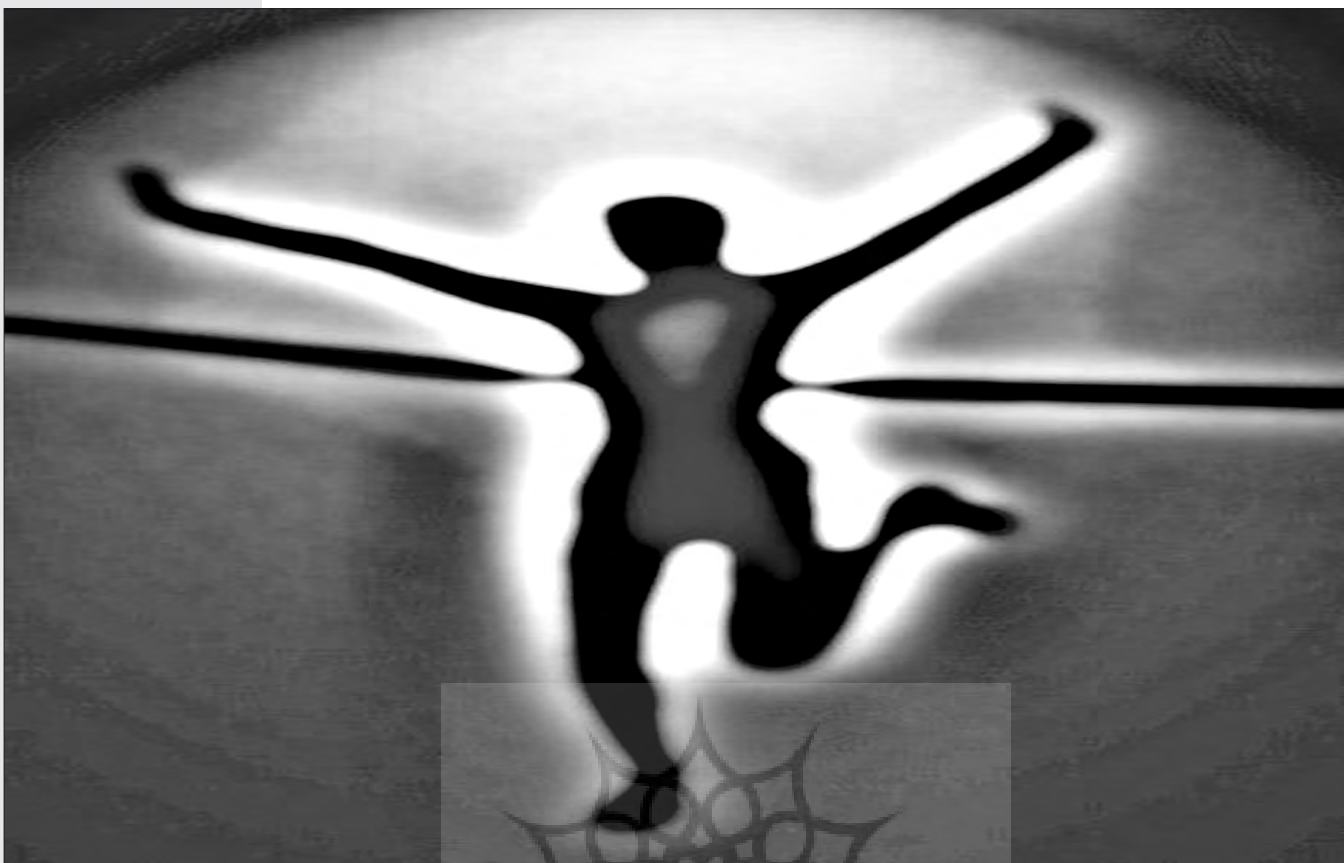
چون قلبی که با استقلال از دیگر اعضا، تعاملی سازنده و مؤثر با آنها برقرار می‌کند و سیستم ارتباطی‌ای که هم در تخصیص منابع بهینه و هم در جمع‌آوری آنها رفتاری عقلایی دارد. در این تشبیه حکمت‌ها و حکایت‌های متعددی را می‌توان یافت که همه و همه ضرورت توجه جدی به سلامت و بهداشت بخش پولی کشور را در پرتو طرح تحول نظام بانکی بیان می‌دارند. وقتی که رییس دولت در سال‌های حضور در مصدر امور همواره بر این مهم انگشت تأکید می‌گذارد و نسبت به این بخش توجه مفراطی رانشان می‌دهد، بر ماست که به عنوان عقلای بخش‌های پولی، مالی و اقتصادی کشور اگر نمی‌توانیم کمکی بکنیم، حداقل به سابقه موجود کاری کنیم و نظری بدهیم تا از خسارت‌های احتمالی تا حد ممکن کاسته شود و این طرح از عقلانیت مناسب و برای اجرایی شدن بهتر برخوردار شود.

از این زاویه و با این هدف یادداشت را به تفکیک نقش و سهم مالکان از مدیران در بخش پولی کشور اختصاص می‌دهیم و این مهم را یادآوری می‌کنیم که اگر این اختلاط به نحوی مناسب ساماندهی نشود، ادامه روند موجود می‌تواند تهدیدی جدی برای کارآمدی و سلامت بخش پولی کشور باشد.

تهدید غیراقتصادی برای بخش پولی

حال مطلب خود را با این سؤال ادامه می‌دهیم: آیا اهمیت سیاسی یا غیراقتصادی یک نهاد، می‌تواند دلیلی بر دریافت مجوز تأسیس بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری باشد؟ با توجه به اینکه یکی از اهداف و رسالت‌های طرح تحول

عدم تفکیک نقش و سهم مالکان از مدیران در بخش پولی کشور، می‌تواند تهدیدی جدی برای کارآمدی و سلامت بخش پولی کشور باشد.



اینکه یک نهاد امنیتی،
نظامی، اقتصادی
یا مذهبی بتواند با
استفاده از قدرت رانت
یا به اعتبار منحصر
به فرد بودنش،
بخشی از منابع پولی
کشور را در اختیار
بگیرد و اعمال نفوذش
موجب شود که منابع
به صورت غیر بهینه
تخصیص یابند،
دو تالی فاسد دارد.

و نظریه پردازان اقتصاد سیاسی قرار می گیرد.

نظارت بر سهامداران و رقابت پذیری بخش پولی

نکته حایز اهمیت دیگر که در ثبت سیاست های اقتصادی ناشی از طرح تحول اقتصادی و به استناد آن طرح تحول نظام بانکی باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع تفکیک مالکیت و مدیریت فعالیت های اقتصادی مؤسسات پولی و بانک ها است. این مهم در چندین بخش، از جمله واگذاری های استراتژیک ناشی از خصوصی سازی مورد توجه قرار گرفته است تا جایی که مسوولان امر ضمن توان سنجی خریداران در قراردادهای واگذاری، ویژگی های مدیریتی تخصصی برای ادامه و اداره بنگاه های استراتژیک را مورد نظر قرار داده اند. بخش پولی کشور نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نیست. به استناد ماده ۵ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سهامداری مؤسسات پولی با محدودیت های قابل توجهی رو به رو شده است، به طوری که افراد حقیقی و اقربای نسبی و سببی آنها نمی توانند جمعاً بیش از پنج درصد یک مؤسسه اعتباری یا بانک خصوصی را مالک شوند و افراد حقوقی نیز تا به همین میزان مجوز مالکیت دارند. این محدودیت برای شخصیت های حقوقی سهامی عام و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی تا ۱۰ درصد افزایش می یابد. اعمال این محدودیت در مصوبه شورای پول و اعتبار برای تأمین و اداره بانک ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی، خود مهر تأییدی برای اجرایی شدن این تکلیف قانونی بوده است که براساس هیچ

ساختار اقتصادی کشور می شود، به شانس و آزمون و خطای آن بخش های مهم، اما غیر اقتصادی واگذار کنند.

نفوذ و علاقه دیگر بخش های غیر تخصصی و غیر اقتصادی برای ورود به بخش پولی کشور، اگر چه همواره وجود داشته ولی توسط نهاد مسوول بخش پولی کشور، یعنی بانک مرکزی مدیریت شده است. تأسیس مؤسسات متعدد اقتصادی و بانک های به ظاهر خصوصی توسط این نهادها و اعطای مجوز توسط بانک مرکزی و عدم رعایت قواعد سهامداری آنها براساس ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه شایبه انحراف از اهداف طرح تحول نظام بانکی به بهانه تنوع بخشی به مؤسسات پولی و اعتباری را تقویت می کند.

اگر چه مؤسسات پولی و اعتباری نوعی شرکت های انتفاعی هستند که می توانند در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و صنفی فعالیت کنند، ولی باید متذکر شد که آنها علاوه بر اصول شرکت داری، دارای مسوولیت های اجتماعی شرکت هانیز هستند. دسترسی به منابع پولی ارزان قیمت توسط نهاد های غیر اقتصادی و تخصیص همان منابع به فعالان غیر کارآمد بانرخی بسیار بالاتر، نوعی اتلاف منابع و افزایش ناکارآمدی در اقتصاد ملی تلقی می شود و باید موجب نگرانی مسوولان بخش پولی باشد.

در همین رابطه است که ضرورت وجود یک بانک مرکزی مستقل، مقتدر، بی طرف و تکنوکرات برای حفظ شرایط رقابت و سلامت بازار پول کشور مورد توجه صاحب نظران

مستندی تا به امروز شفافیت لازم برای تحقق این ماده قانونی مورد توجه قرار نگرفته است و گزارش‌های چهارگانه اجرای قانون مذکور نیز تا این لحظه در این خصوص، عملکرد موفقیت‌آمیزی را ارائه نکرده‌اند. مخاطرات این مهم برای تحقق اهداف طرح تحول نظام بانکی علاوه بر تضعیف اعتماد عمومی به بازار پولی کشور، موجب می‌شود که تسلط افراد و شرکت‌ها و نهادهای مالک مؤسسات پولی، عملاً مخل رقابت و سلامت فعالیت تخصصی در بازار پول شود.

اصول حکمرانی شرکتی یا حکمرانی خوب به عنوان برآیند عقلانیت بشری برای اداره شرکت‌های بزرگ و مؤسسات دارای گردش مالی بالا، توصیه می‌کند که اگر نتوان تفکیک مناسبی بین مالکان و اداره‌کنندگان متخصص و حرفه‌ای ایجاد کرد، سرنوشت نهاد اقتصادی به لحاظ مالی دچار چندین آسیب جدی و ماندگار خواهد شد که از آن جمله می‌توان فساد شخصی، قربانی کردن اهداف سازمان برای منافع شخصی و ... را یادآور شد. لذا در پایان توصیه می‌شود که ضمن توجه به تفکیک حوزه تخصصی بازارهای پولی و سرمایه و جلوگیری از حضور غیرمتخصص‌ها و صاحبان قدرت و نفوذ، ترتیبی اتخاذ شود تا نظارت لازم برای مالکان این مؤسسات بر اساس ماده ۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برقرار شود تا هم سلامت و بهداشت بازار پول کشور تضمین شود و هم مؤسسات پولی و بانکی بتوانند فعالیت‌های خود را در محیطی آرام و تخصصی انجام دهند.

ارزیابی نقش بانک‌های عامل در تحقق طرح تحول نظام بانکی
بانک‌های عامل به عنوان حلقه آخر تحقق اهداف طرح تحول نظام بانکی، از چند جهت دارای اهمیت فزاینده‌ای هستند:

(۱) باور مدیران بانک‌های عامل و کارکنان این مؤسسات بزرگ اقتصادی می‌تواند به عنوان کاتالیزوری برای تعمیق تحولات مورد نظر، یاری‌رسان سیاستگذاران و برنامه‌ریزان باشد و عدم توجه این افراد - اگر چه به ظاهر غیرمؤثرند - می‌تواند اهداف طرح را با چالش مواجه می‌کند و موجب می‌شود که طرح غیرکارآمد و نیمه اجرایی جلوه کند و نه تنها شرایط مؤسسات و بخش پولی کشور را بهتر نکند، بلکه شرایط به نسبت با ثبات و غیربهبینه فعلی این مؤسسات را هم ناپایدار و ناکارآمد کند.

(۲) مؤسسات پولی به دلایل متعدد از اهمیت بسزایی در عرصه اقتصاد کشور برخوردارند. یکی از این دلایل، مراجعه و الزام به همکاری تمامی فعالان اقتصادی با این بخش است. لذا ساماندهی مدبرانه و غایت‌اندیشانه می‌تواند موجب شود که شرایط کسب و کار در کل کشور به تبع تحولات نظام بانکی متحول شود و شناخت این اثرات و مدیریت آنها در بخش‌های دیگر خود می‌تواند سهم بانک‌های عامل در هدایت دیگر بخش‌های اقتصادی را تسهیل و تسریع کند.

(۳) با توجه به فشارهای بین‌المللی بر مؤسسات مالی و پولی کشور در شرایط فعلی این بخش به گونه‌ای خط مقدم منازعات سیاسی نیز شده است. لذا حفظ روحیه بقیه پرسنل، افزایش توان کارشناسی و خارج کردن شرایط اقتصادی کشور تا نقطه بهینه تعاملی سازنده با اقتصاد دنیا، می‌تواند سهم بانک‌های عامل و به ویژه بانک مرکزی را در چاره‌اندیشی مورد تأکید قرار دهد.

و اینها همه امکان‌پذیر نیست مگر در پرتو وجود مدیرانی تکنوکرات، آگاه و آینده‌نگر در بخش پولی کشور که می‌توانند بین دو موضوع بانکداری اسلامی و بانکداری عرفی و بین‌المللی تعاملی سازنده یا افتراقی متعادل را برقرار کنند.

آیا منطقی کردن نرخ سود، صرفاً به معنای کاهش نرخ سود است؟

برگه اشتراک

نام و نام خانوادگی مشترک:

سن: تحصیلات: شغل:

شماره های درخواستی: از شماره تا شماره

نشانی پستی:

شماره تلفن تماس:

مشترک گرامی

*هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۶۰۰۰۰ ریال و برای یک سال ۱۲۰۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱ / صندوق پستی: تهران ۵۵۴۸ - ۱۴۱۵۵